

قانون اساسی جمهوری اسلامی و سرمایه گذاری نامحدود خارجی در ایران

"دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات"

در امور تجارتي و صنعتي و کشاورزي و معادن به خارجيان مطلقاً ممنوع است".
(اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی)

درصد مشارکت آنان مورد بررسی و اتخاذ تصمیم قرار می گیرد".
(کیهان ۷۱/۲/۲۹)
روزنامه "کیهان" که این خبر را نقل کرده است از "شورای عالی سرمایه گذاری" درباره ضرورتهایی که محدودیت مشارکت در سرمایه گذاری خارجی و سپس لغو این محدودیت ها را ایجاب کرده است، و نیز سایر مسایل مربوط به شروط سرمایه گذاری خارجی پرسشهایی کرد که تا آنجا که ما می دانیم بدون پاسخ مانده است.

در پی صدور این مجوز، کارگزاران کشوری برای تشویق و ترغیب سرمایه گذاران خارجی و جلب اعتماد آنان به سرمایه گذاری در ایران بیش از پیش به تلاش پرداختند. "موسویان"، سفیر جمهوری اسلامی در آلمان در "سمینار اقتصاد ایران و آلمان" درباره "امکانات نامحدود سرمایه گذاری خارجی در ایران" سخن راند و از جمله چنین گفت: "هیچ محدودیت قانونی برای سرمایه گذاری خارجی در ایران وجود ندارد و امکانات زیادی برای سرمایه گذاری خارجی پیش بینی شده است مانند انتقال نامحدود سود سرمایه به ارز، انتقال نامحدود سرمایه به ارز، برخورداری از حقوق قانونی یکسان با موسسات داخلی و جبران غرامت ناشی از سلب مالکیت و ملی شدن به ارز".
همچنین "تعمت زاده"، وزیر صنایع که در جمع صاحبان صنایع آلمان درباره "سیاست خارجی کنونی ایران" سخن می راند در این زمینه چنین گفت: "قوانین حمایت از سرمایه گذاری خارجی فضای مناسب و امنی برای فعالیت سرمایه گذاری خارجی در ایران به وجود آورده است. هم اکنون سرمایه گذاری از نظر قوانین و مقررات کشور ممنوعیت و محدودیتی ندارد و مقررات حمایت از سرمایه گذاری های خارجی معتبر است. آزادی تعیین

ادامه در ص ۳

با این همه صراحت و قاطعیت که حاکی از ممنوعیت مطلق هرگونه سرمایه گذاری خارجی در ایران است. وزارت امور اقتصادی و دارایی از طریق "روابط عمومی" خود اطلاعیه زیر را به رسانه های گروهی کشور ابلاغ کرده است: "شورای عالی سرمایه گذاری در تاریخ ۱۳۷۱/۲/۱۵ با توجه به قوانین کشور (؟) ضمن تاکید بر پذیرش سرمایه گذاری های خارجی تصویب کرد که درخواست سرمایه گذاران خارجی بدون محدود کردن

نامه
مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۷۹، دوره هشتم،
سال هشتم، ۱۶ تیر ۱۳۷۱

حوادث کشور و ضرورت مبارزه مشترک نیروهای آزادیخواه و تحول طلب

مردم میهن ما از اوضاع کنونی که در آن هیچگونه قانونیت امنیت و آزادی سیاسی و اقتصادی وجود ندارد در رنج و عذابند. فقر، بی خانمانی و بی عدالتی در جامعه ما بیداد می کند و اکثریت محروم به تجربه دریافته اند که وعده های سردمداران رژیم پشتیبانی نمی ارزند و تنها برای فریب آنان است. کمبود و گرانی سرسام آور ارزاق عمومی، نبود یک سیستم بهداشتی که بتواند خواست زحمتکشان کشور را برآورده سازد و نبود یک سیستم تامین اجتماعی در حالی که بیکاری نهان و آشکار در جامعه میلیونها انسان را در شرایط بسیار دشوار و طاقت فرسایی قرار داده است از جمله پایه های عینی موج رشدیابنده نارضایی کنونی

ادامه در ص ۲

میهن ما دوران حساس و دشواری را از سر می گذراند. جوشش های مردمی در شهرهای مختلف کشور و یورش وحشیانه رژیم برای سرکوب هرگونه صدای حق طلبی، موج اعدام ها، دستگیری ها و طرح های مختلف امنیتی از مانور "القارعه" و طرح "جمع آوری اراذل و اوباش" تا تهدید افراد ناراضی در ادارات دولتی حکایت از تشدید مبارزه برای ایجاد تحول و کشودن فضای سیاسی کشور می کند. نارضایی مردم از کمبودهای اقتصادی، فقر، عدم امنیت و جو فشار و اختناق تحمیل شده به آنان که به اشکال مختلف در گوشه و کنار کشور در مشهد، شیراز، اراک، بوکان، تبریز، شوشتر، ایذه، هفتکل و ... بروز می کند، نوید دهنده اوج گیری مبارزه علیه رژیم "ولایت فقیه" است. اکثریت

مجلس يك دست!

دور چهارم مجلس به اصطلاح يك دست و فرمانبر جمهوری اسلامی (که گویا در این جمهوری با حفظ استقلال خود به کار قانونگذاری خواهد پرداخت و دولت را کنترل خواهد کرد) با ارباب و تهدیدهای رهبر و رئیس جمهور کار خود را آغاز کرد. نگاهی کوتاه به رهنمود های رهبران جمهوری اسلامی در جلسه افتتاحیه این مجلس، تکلیف چهارساله آینده آن را روشن می سازد. خامنه ای تهدید می کند "که نمایندگان انتقاد دلسوزانه بکنند اما بدانند که کارشکنی و فتنه گری و اغوا به جهل از هیچ کس قابل قبول نیست". به عبارت دیگر پرونده سازی و خفه

ادامه در ص ۲

زنان،

قربانیان میلیونی رژیم

چندی پیش نماینده فدراسیون جهانی دوومیدانی به ایران اعزام شد تا وضع ورزش خانم ها در ایران را مورد بررسی قرار دهد. نامبرده در بازگشت اعلام نمود که انجام ورزش های رسمی، بین المللی برای دختران ایرانی غیرممکن است و خاطرنشان ساخت که بانوان ایرانی فقط در دوسه رشته مشخص ورزشی می توانند در سالن های سرپوشیده با بانوان دیگر کشورهای اسلامی از نوع خود مسابقه دهند.

آنچه که مسلم است ستم مضاعف بر زنان ایرانی از سوی رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در مورد ورزش که یکی از ابتدایی ترین حقوق انسان ها در رابطه با پرورش تن و جسم

ادامه در ص ۳

در دیگر صفحات:

نورنبرگ یا لایپزیگ

----- ص ۸

نامه به صلیب سرخ جهانی

----- ص ۶

تهدید گستاخانه!

----- ص ۵

اطلاعیه سازمان

عفو بین الملل (بخش آلمان)

----- ص ۷

زنده باد آزادی و صلح، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

حوادث کشور و ...

است. در کنار این نیروی عظیم اجتماعی که اکثریت کارگران، دهقانان، کارمندان دولتی و سایر زحمتکشان شهروستا را دربرمی گیرد، اقلیت دیگر جامعه نیز از اوضاع کنونی ناراضی هستند.

بخش عمده ای از سرمایه داری ملی ایران، اقلیت متوسط و بورژوازی کوچک که در امر تولید داخلی مشغول به کار هستند، به دلیل سیاست های غلط و مخرب رژیم با مشکلات عظیمی برای بازسازی صنایع تولیدی کشور مواجه اند. این نیروها که در حال حاضر از نظر سیاسی نقش نسبتاً کمی در حاکمیت بازی می کنند، به حمایت و کمک دولت برای بازسازی و سرمایه گذاری درازمدت در امور تولیدی کشور نیازمند هستند. در مقابل این خواست، دولت جمهوری اسلامی نه تنها اقدامات جدی برای رفع این نیازها انجام نداده است، بلکه هدف عمده آن در حال حاضر جلب سرمایه های خارجی و بازکردن بازار کشور به روی اجناس مصرفی خارجی است که در مجموع در تضاد با منافع این بخش از نیروهای اجتماعی قرار دارد. در حالی که صنایع داخلی کشور به ارز برای واردکردن مواد اولیه نیازمند است، به اعتراف وزرای کابینه آقای رفسنجانی در طی سال های اخیر دولت هیچگاه به تعهد ارزی خود پیرامون صنایع کشور عمل نکرده است و این روند ضربات جدی بر ادامه کاری تولید داخلی وارد آورده است. کوتاه سخن به جز بخش کوچکی یعنی کلان سرمایه داران بازار، قشر نوپای بورژوازی بوروکراتیک و وابستگان رژیم که برندگان عمده سیزده سال حاکمیت جمهوری اسلامی هستند، اکثریت شکننده جامعه ما مخالف ادامه چنین وضعی هستند. در اینکه ادامه چنین شرایطی در درازمدت امکان پذیر نمی تواند باشد، کمتر کسی است که شک و تردید داشته باشد، سخن برسر این است که چگونه می توان شرایطی در جامعه ایجاد کرد که بن بست کنونی را درهم شکند و امکان تحول جدی و عمیق را ایجاد کند.

تاریخ اخیر میهن ما تجربیات گرانمایی در این عرصه اندوخته است که انکار و نادیده انگاشتن آن بی

شک تاثیر منفی و مخربی بر کل روند تحول و تغییر قطعی اوضاع کنونی برجای خواهد گذاشت. تجربه سال های اخیر نشان داده است که هیچ گونه تحول و پیشرفتی در جامعه ما بدون شرکت اکثریت مردم و نیروهای سیاسی کشور امکان پذیر نبوده و نیست. ساختار اجتماعی - اقتصادی کشور و سال های طولانی اختناق و سرکوب نیروهای سیاسی و عدم امکان رشد طبیعی این نیروها در جامعه اثرات منفی جدی بر روابط و چگونگی برخورد نیروهای سیاسی و عملکرد آنها در جامعه ما باقی گذاشته است. این پدیده ای است که هم اکنون نیز سد عمده و جدی برسر راه برنامه ریزی مشترک در جامعه ایجاد کرده است. در حالی که اکثر نیروهای سیاسی کشور از آزادی و ضرورت ایجاد دموکراسی در جامعه سخن می گویند عملکرد آنها در برخورد عملی و قلمی با سایر نیروها در تضاد آشکار با این ادعا عمل می کند. گذاشتن انواع و اقسام پیش شرط ها برای گفتگو بین این یا آن نیرو و تلاش برای حذف دیگران از طریق اتهام زنی و توهین به گذشته و تاریخ مبارزاتی سایرین، متأسفانه هنوز از شیوه های رایج و غالب در میان نیروهای مخالف رژیم است. چنین عملکردی نه تنها کوچکترین قربانی با دموکراسی و آزاد اندیشی ندارد، بلکه پدیده ای است بسیار منفی و مشابه عملکرد رژیم جمهوری اسلامی با مخالفان خود. ما در گذشته به تفصیل پیرامون این روند منفی و علل آن نوشته ایم و تکرار آن در شرایط حاضر را مفید نمی دانیم. اگر نیروی سیاسی واقعا به اصول دموکراتیک معتقد باشد، نمی تواند برای سایر نیروها تعیین تکلیف کرده و در صورت مخالفت آنان را به باد حمله و ناسزا بگیرد. در شرایط فعلی بخش عظیمی از نیروهای سیاسی - اجتماعی مخالف رژیم "ولایت فقیه" و مدعی دفاع از دموکراسی و احترام به آرا مردم می باشند و از این رو دارای نکات مشترک و زمینه های مبارزاتی همسانی هستند که می تواند شرایط ضرور برای ایجاد یک ائتلاف وسیع سیاسی علیه رژیم را مهیا کند. به نظر ما می توان برسر موضوعاتی چون ضرورت مبارزه برای پیاده کردن منشور جهانی حقوق بشر، آزادی کلیه زندانیان عقیدتی و تشدید مبارزه برای وادارکردن رژیم به پذیرش اصل جایگزینی حکومت کنونی با یک

حکومت ائتلافی وسیع به توافق رسید و عرصه مبارزه را گسترده کرد. چنین خواست های وسیعی به هیچ وجه به مفهوم تغییر برنامه درازمدت گروههای مختلف سیاسی نبوده و نمی تواند باشد.

ما عمیقاً براین اعتقادیم که شرایط حساس کنونی کشور ضرورت چنین برخورد سیاسی را از همه نیروهای سیاسی کشور طلب می کند. تلاش های پراکنده نیروهای مختلف که در گوشه و کنار جهان صورت می گیرد می تواند و می بایست گسترش یافته و امکان ایجاد یک نشست وسیع از نمایندگان مختلف نیروهای سیاسی کشور را پدید آورد. به گمان ما می توان قدم های اولیه برای تدارک چنین نشستی را از هم اکنون سازمان داد. ما به نوبه خود آماده ایم که همه امکانات خود را در راه موفقیت این روند به کارگیریم.

رژیم جمهوری اسلامی مانند تمامی حکومت های دیکتاتوری در سرتاسر جهان با استفاده از ضد انسانی ترین شیوه ها خواهد کوشید تا تداوم حکومت خویش را ممکن سازد. استفاده از سرکوب، شلاق و اعدام از جمله شیوه های "موقتی" است که رژیم در گذشته به راحتی از آن سود جست و همچنان به آن ادامه می دهد. در کنار یورش رژیم، مبارزه در کشور و تلاش بفرنج و پیچیده مردم برای دستیابی به آزادی ادامه یابد و دیری نخواهد پایید که علیرغم همه تمهیدات رژیم این حرکت به سرانجام موفق خود خواهد رسید. مبارزه مشترک و متحد ما تنها پاسخ شایسته ای است که می توان و باید به مبارزه دلیرانه مردم میهنمان داد.

لحظات حساس و سرنوشت ساز تاریخ بسیار کوتاه و زودگذرند، شناخت روند تحولات و درک لحظه تنها راه استفاده از امکانات و شرایطی است که دیگر بار تکرار نخواهد شد. تجربه دردناک انقلاب بهمین ۵۷ و سوءاستفاده نیروهای واپسگرا از تفرقه و درگیری نیروهای ترقی طلب و آزادیخواه، بهای گزافی است که نیروهای مخالف رژیم و مردم کشورما برای این غفلت تاریخی پرداخته اند. تکرار چنین فاجعه ای با توجه به تجربیات موجود اشتباهی نابخشودنی است.

توسط نیروهای انتظامی رژیم به خون کشیده شدند نه به نمایندگان مجلس ارتباطی داشت و نه به عوامفریبی های تکراری رهبران رژیم.

حقوق فردی و اجتماعی، اختیارات و اراده همگانی را نه با موعظه های مذهبی می توان تامین کرد، و نه با سرکوب های وحشیانه نظامی و نه با مجلس دست چین شده و فرمایشی. در رژیمی که یک تن به جای میلیونها انسان تصمیم بگیرد، خیمه شب بازی هایی از نوع مجلس، انتخابات، آزادی های فردی و اجتماعی و سیاسی مقوله های بی محتوایی هستند که اعتبار آنان در رژیم هایی از نوع ولایت فقیه به خاک سپرده شده است. اما حاکمان جمهوری اسلامی به خوبی می دانند که در آینده ای نه چندان دور ریشه های تنومند این مقولات گسترش خواهد یافت و این نیز خارج از اراده رهبر، رئیس جمهور و مجلس یکدست رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود. در جایی که رهبران بدون حضور مردم و نمایندگان واقعی آنان تصمیم بگیرند مردم نیز در تصمیم گیری های خود آنان را دخالت نخواهند داد.



مجلس یکدست!

مجلس از فرمانبرداران مطلق رژیم حاکم بوده اند اما آنچه که بساط فرمان ها را به هم ریخت نه نمایندگان سرکش، بلکه سیل عظیم اعتراضات و مقاومت ها و فرمان شکنی های توده مردم در بیرون از مجلس های فرمایشی بوده است. اعتراضات گسترده مردم اراک و مشهد (شهری که رهبر جمهوری اسلامی اخیراً در آنجا به تکرار وعده های پوچ پرداخته بود) که

مجلس یکدست!

ساختن هرگونه اعتراضی در جمهوری اسلامی ارتباطی به انتصابات و انتخابات امروزی ندارد و هر آن که خلفا اراده کنند می توانند هر حرکت و واکنشی را "فتنه گری" قلمداد نمایند که در این صورت سرنوشت چنین فردی در جمهوری خلفا بسیار روشن است. رفسنجانی این را هم زیادی می داند و اخطار می کند که: "به جای انتقاد از تریبون مجلس هر حرفی دارید با دولت مطرح کنید". اگر چنین تهدیدی را بخواهیم ساده تر بیان کنیم به این معنا است که مجلس نباید از سر به زیری و فرمانبری پاران فراتر بگذارد و ادای استقلال دربیآورد. جالب است که متذکر شویم این گونه خط و نشان ها برای مجلسی کشیده می شود که قریب دوسوم نمایندگان آن از منتخبین و فرمانبرداران همین رهبر و همین رئیس جمهوری باشند.

سردمداران جمهوری اسلامی فراموش کرده اند که بعد از انقلاب مشروطیت و در دوران حکومت پهلوی ها جز یکی دو دوره، دوره های دیگر

نامه به صلیب سرخ جهانی

از سوی جمعی از زندانیان سیاسی زمان شاه، که به هنگام بازدید نمایندگان صلیب سرخ جهانی از زندان های شاه مورد بازدید و طرف ملاقات قرار گرفته اند، نامه ای برای این سازمان بین المللی ارسال شده است. در این نامه ضمن تاکید بر خواست کشایش دفتر صلیب سرخ جهانی در ایران، با اتکا به تجربه پیشین، شیوه هایی که توسط جمهوری اسلامی برای جلوگیری از دستیابی بازدیدکنندگان به حقایق زندان مورد استفاده قرار می گیرد، افشا شده است. در زیر متن این نامه و نام افراد امضاکننده آن را می خوانید.

نمایندگان محترم صلیب سرخ جهانی

ما امضا کنندگان این نامه که جزو زندانیان سیاسی زمان شاه بوده ایم، چندی پیش خبر بازدید اخیر شما از زندان های ایران را بامسرت تمام دریافت کردیم و با تأسف بسیار، از توقف ماموریت شما توسط رژیم اسلامی خیردار شدیم. سازمان شما قبل از انقلاب ۱۹۷۹ نیز موفق شد در چندین نوبت از زندان های سیاسی ایران دیدار کند و ما که به گواهی اسناد موجود در آرشیو سازمان شما در ژنو، طرف مصاحبه با نمایندگان اعزامی صلیب سرخ جهانی بودیم، از نزدیک شاهد تأثیرات و نتایج مثبت و چشمگیر آن بازدیدها بوده ایم. به این خاطر، به عنوان کسانی که موقعیت وخیم زندانیان سیاسی در رژیم بی رحم و سرکوبگر را با پوست و گوشت خود تجربه و لمس کرده ایم، اهمیت ماموریت شما را به خوبی درک می کنیم و ضمن پشتیبانی از تلاش های بشردوستانه شما، اقدام رژیم اسلامی را در تعطیل دفتر صلیب سرخ و اخراج شما از ایران شدیداً محکوم کرده و خواهان بازگشت فوری شما به ایران و دایرشدن مجدد دفتر صلیب سرخ جهانی در تهران هستیم.

با امید از سر گرفته شدن ماموریت شما در ایران، اجازه می خواهیم یادآور شویم که بازدیدهای مشابه آقای گالیندویل، فرستاده سازمان ملل متحد از زندان های جمهوری اسلامی ایران، در عین حال که موید وجود شکنجه و اعدام و نقض خشن حقوق بشر در ایران بوده است، نشان داده است که رژیم اسلامی با شیوه های پیچیده تر از رژیم شاه به کارشکنی در ماموریت بازدیدکنندگان، و به دشوارکردن دسترسی آنان به همه حقایق میادرت می کند. برای خنثی کردن کارشکنی های رژیم و دستیابی به حقایق:

* باید با کلیه زندانیان سیاسی ملاقات صورت گیرد و همه آنها از لحاظ آثار شکنجه جسمی و روحی مورد معاینه پزشکان صلیب سرخ قرار گیرند. در رژیم اسلامی برای معاینه زنان زندانی و شنیدن مشکلات ویژه زنان، اعزام نمایندگان و پزشکان زن از طرف صلیب سرخ بین المللی ضرورت دارد. ملاقات ها و مصاحبه ها باید بدون حضور زندانبانان و افراد مظنون به خبرچینی؛ در محلی بدون امکان نصب میکروفون و یا فیلمبرداری مخفی؛ و بدون استفاده از مترجمینی غیر از خود زندانیان انجام پذیرد. باید تدابیری برای تضمین امنیت مترجمین و سخنگویان جمعی در برابر بازجویی ها و انتقام کشی های بعدی زندانبانان اتخاذ شود.

* بازدید از زندان ها باید کاملاً سرزده باشد. در بازدیدهای با اطلاع قبلی، بخشی از زندانیان را جایجا کرده و پنهان می سازند. از زندان های عادی (غیرسیاسی) نیز باید منتظماً و بطور سرزده بازدید شود، زیرا علاوه برآنکه بخشی از زندانیان سیاسی را در این زندان ها پنهان می سازند، خود زندانیان عادی نیز قربانیان نقض خشن حقوق بشر توسط رژیم استبدادی اسلامی بشمار می آیند.

* باید پرونده یکایک زندانیان سیاسی و همچنین اعدام شدگان مورد بررسی قرار گیرد و اتهام وارده و مجازات آن و نحوه محاکمه و اجرای حکم، ثبت گردد. از جمله بررسی پرونده های اعدام شدگان به اتهام قاچاق مواد مخدر و مصاحبه با محکومین به اعدام به همین اتهام، و ملاقات با خانواده های این متهمین لازم است، زیرا رژیم اسلامی برخی از زندانیان سیاسی را در پوشش "قاچاقچی مواد مخدر" اعدام می کند.

* از اطلاعات هر زندانی درباره شکنجه شدگان، جایجاشدگان،

مفقودین، و درباره زندان ها و بازداشتگاههای مخفی باید استفاده شود.

* ایجاد دفاتر صلیب سرخ بین المللی در ایران؛ بازدید مداوم از زندان ها و تکرار ملاقات و مصاحبه با زندانیان، کسب اطلاعات از طریق تماس دائمی با خانواده های زندانیان و قربانیان و از طریق ارتباط منظم با سازمان ها و شخصیت های سیاسی اپوزیسیون رژیم در خارج از کشور، لازمه حتمی موفقیت این ماموریت هاست.

عالیجنابان

ما، زندانیان سیاسی سابق ایرانی، با تعلقات سیاسی و عقیدتی مختلف، از تلاش های شما در راه نجات زندانیان ایران از شکنجه و اعدام و از بی قانونی و بی حقوقی، صمیمانه قدردانی کرده و خواهان از سرگرفته شدن ماموریت انسان دوستانه شما در ایران هستیم.

با تقدیم احترام:

- ۱- آذرنوش (رسول) ۲- آذرفر (علی) ۳- آزادگر (محمد) ۴- آلیاری (فرج) ۵- ابراهیم زاده (یاقر) ۶- احمدی (فریدون) ۷- اعظمی (محمد) ۸- آغیای (تقی) ۹- اکرمی (رضا) ۱۰- الاردیلی (محمدرضا) ۱۱- امینی نژاد (جعفر) ۱۲- انصاری (رحیم) ۱۳- انورحقیقی (عباسقلی) ۱۴- ایزدی (اصغر) ۱۵- برادران (حسن) ۱۶- برهمندی (بیژن) ۱۷- بطحایی (طیغور) ۱۸- بناسازنوری (احمد) ۱۹- بنی هاشمی (شریفه) ۲۰- بی نیاز(زیت اله) ۲۱- پهریز (حبیب) ۲۲- پرویز (مهدی) ۲۳- پوریکتا (رضا) ۲۴- پویه (محمدرضا) ۲۵- جعفری(عاطفه) ۲۶- جعفریان(ولی) ۲۷- جودکی (محمد) ۲۸- جوهری (محمدابراهیم) ۲۹- حسن زاده (عباس) ۳۰- حقانی (زین العابدین) ۳۱- حقی (بهروز) ۳۲- حمیدبیگی (حمید) ۳۳- خاوری (علی) ۳۴- خلیق (حسن) ۳۵- داوری (اصغر) ۳۶- دوستارصنایع (اکبر) ۳۷- رشتی (سیدمحمد) ۳۸- راجی (مجتبی) ۳۹- راهی (حسن) ۴۰- رحیم خانی (ناصر) ۴۱- رحیم زاده اسکویی (جواد) ۴۲- رحیمی (نریمان) ۴۳- رزمی (ماشاله) ۴۴- سعیدی (سیدعلاءالدین) ۴۵- سیفی (علی اکبر) ۴۶- رنجبر(سلامت) ۴۷- سلطان زاده (هدایت) ۴۸- سلمان مظفر(نسرین) ۴۹- شالگوئی (جلال) ۵۰- شالگوئی (محمدرضا) ۵۱- شریعت (فرشید) ۵۲- شریعت پناهی (مصطفی) ۵۳- شریف زاده (ملیحه) ۵۴- شیرینی (مجید) ۵۵- صرافت (صدیقه) ۵۶- صراف زاده (علی محمد) ۵۷- صفا (عیسی) ۵۸- صلاحی (رضا) ۵۹- طیب غفاری (هبت) ۶۰- عابدین زاده (علی) ۶۱- عرب لاری (قربانعلی) ۶۲- عزیزی (حسن) ۶۳- عصاره(نادر) ۶۴- علی زاده گرجانی (هما) ۶۵- عمرانی (محمدرضا) ۶۶- عمرانی (میررضا) ۶۷- قتاپور (مهدی) ۶۸- تندی (مسعود) ۶۹- فرخ پروچردی (ریابه) ۷۰- قلی زاده (قدرت اله) ۷۱- کریمی (بهزاد) ۷۲- کشاورز (سیمین) ۷۳- کوهرنگ پروچردی (حسین) ۷۴- کوهوند(اصغر) ۷۵- گلشاهی (حسن) ۷۶- لیبب (شهاب) ۷۷- مارکاریان (رویند) ۷۸- موانی (سیروس) ۷۹- مختاری (پرویز) ۸۰- مختاری (منوچهر) ۸۱- مدنی (مصطفی) ۸۲- مظاهری (عباس) ۸۳- مقدم (حمید) ۸۴- میرمویذ(میرعلیرضا) ۸۵- نگهدار(فرخ) ۸۶- نوروزپور (همت علی) ۸۷- نویدی (پرویز) ۸۸- نیری (ایرج) ۸۹- واحدی پور (ایرج) ۹۰- هوشمند خامنه ای (فتح اله) ۹۱- یوسفی شیواری (حسن).

بخش‌هایی از :

سند نهایی چهارمین نشست
احزاب کمونیستی و کارگری منطقه شرق مدیترانه،
خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ

همانطور که در شماره های قبل به اطلاع خوانندگان "نامه مردم" رسید، چهارمین نشست احزاب کمونیستی و کارگری منطقه در تاریخ ۲۴-۲۲ ماه مه در آتن به میزبانی حزب کمونیست یونان برگزار گردید. در این نشست کمیسیونی مرکب از نمایندگان حزب توده ایران، حزب کمونیست یونان، حزب مترقی زحمتکشان قبرس (اکل)، حزب مردم فلسطین و جبهه آزادیبخش بحرین برای تهیه و تدوین اسناد انتخاب گردید. سند نهایی پس از بحث و بررسی و برخی تغییرات به همراه یک بیانیه مطبوعاتی به عنوان اسناد این کنفرانس مهم به تصویب و سپس منتشر گردید. آنچه در ذیل می‌خوانید بخش‌هایی از سند نهایی چهارمین نشست احزاب کمونیستی و کارگری می‌باشد.

* روند پایان جنگ سرد که در اواسط سال های ۸۰ با آغاز "تفکر نوین سیاسی" در اتحادشوروی آغاز گردید، به شکل متفاوتی با خواست مردم و نیروهای صلح دوست جهان به پایان رسید. بالاخره جنگ سرد میان بلوک های نظامی اروپا، نه از طریق امضای قرارداد های صلح و خلع سلاح، بلکه با انحلال پیمان ورشو و تقویت بیشتر پیمان ناتو پایان یافت. پیمان ناتو حیطه عملیات و نفوذش را گسترش داد، استراتژی نظامی اش را بازبینی کرد و براین اساس "نیروی عکس العمل سریع" را نیز پدید آورد. در عین حال "اتحادیه کشورهای اروپای غربی"، زیر کنترل دولت های بریتانیا، فرانسه و آلمان، در کنار نیروی نظامی ناتو به عنوان یک نیروی مکمل به کار افتاده و ژاپن نیز برای نخستین بار پس از پایان جنگ جهانی دوم حضور نظامی خود را به بیرون از مرزهایش گسترش داده است.

* در کشورهای رشدیابنده، دولت ها و جنبش های رهایی بخش ملی، از موضع تضعیف شده با یورش کشورهای عمده غربی و نیروهای ارتجاعی مواجه هستند و در اکثر مواقع مجبور به عقب نشینی هستند. فشار بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سایر تراست ها و شرکت های فراملیتی، استثمار "جهان سوم" را دوچندان کرده است و دره موجود میان شمال و جنوب را عمیق تر می کند. وام های خارجی این کشورها دائماً افزایش یافته و ادامه چنین روندی غیر قابل تحمل می گردد. در عین حال حضور مستقیم نیروهای نظامی خارجی در این کشورها روبه افزایش است و روند تسلیح رژیم های طرفدار غرب همچنان ادامه می یابد.

* جنبش های مردمی - شامل جنبش صلح، جنبش سندیکایی و جنبش نیروهای دمکراتیک و مترقی مورد تهاجم بی سابقه نیروهای محافظه کار جدید با هدف نابودی دستاوردهای حاصله، مواجه اند. در عین حال آنتی کمونیسم، و کارزار بدنام کردن سوسیالیسم با شدت بی سابقه ای در جریان است و اندیشه های فاشیسم نو، شوونیسم، نژادپرستی و بنیادگرایی مذهبی تقویت می شود. * در چارچوب تضادی که بر جهان ما حکومت می کند، یعنی تضاد میان کار و سرمایه، بایستی اذعان کرد که این توازن به نفع سرمایه تغییر کرده است. "نظم نوین جهانی" که آمریکا دائماً تبلیغ می کند، بیشترین هدفش تامین منافع ایالات متحده آمریکا می باشد و نه حمایت از قوانین بین المللی.

* پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که آغاز دورانی نوین در تاریخ بشریت بود با دشواری های بسیار، نخست در اتحادشوروی و سپس در کشورهای دیگر راه را برای تحولات اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی بی نظیر گشود.

مستقل از هر ارزیابی که ممکن است پیرامون چگونگی ساختمان سوسیالیسم در هفتاد ساله گذشته وجود داشته باشد، کشورهای سوسیالیستی در مجموع و به تنهایی تاثیر و نقش عمده ای در مطرح کردن آرمان هایی چون صلح، همبستگی، فداکاری برای منافع مشترک و امید ایجاد جامعه ای فارغ از استثمار در جهان ایفا نمودند.

این کشورها در عین حال نقش به سزایی در تحول مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان در کشورهای سرمایه داری و جنبش های رهایی بخش ملی در مستعمرات سابق ایفا نمودند. مبارزه زحمتکشان در کنار تلاش کشورهای سوسیالیستی در عین حال سرمایه داری را وادار به پذیرش حقوق دمکراتیک و

اجتماعی و نابودی سیستم مستعمرات کرد.

تمامی این حقایق نمی توانند به دست فراموشی سپرده و یا بی ارزش شمرده شوند. علی رغم موفقیت های بالا، در عرصه مدل انتخاب شده برای ساختمان سوسیالیسم چه از نظر تئوریک و چه در عرصه پراتیک تصمیماتی گرفته شد که به انحراف از دیدگاه لنین پیرامون سوسیالیسم منجر گردید. بن بست که به دنبال این روند پدید آمد ضرورت تاریخی نوسازی سوسیالیسم در جهت ارزش های واقعی سوسیالیستی برای دمکراتیزه کرده حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه را ایجاب می کرد.

متأسفانه تلاشی که در جهت پاسخ گفتن به این ضرورت تاریخی آغاز گردید نتوانست به نتایج مثبتی برسد و با شکست مواجه شد. این روند به جای سوسیالیسم و دمکراسی بیشتر، به دنبال دخالت های امپریالیسم و صهیونیسم که همواره خواهان نابودی سوسیالیسم بودند، منجر به هرج و مرج و آغاز روند بازگشت سرمایه داری به این کشورها شد.

تاریخ بیش از هفتاد سال سوسیالیسم، از انقلاب کبیر اکتبر تا از هم پاشیدن اتحادشوروی می بایستی مورد بررسی و تحلیل علمی قرار گیرد تا بتوان به نتایج ضرور پیرامون این روند رسید و مهمتر از همه درس های لازم برای پیشرفت نیروهای مترقی و سوسیالیستی را فرا گرفت. این اعتقاد خلل ناپذیر ماست که عقب گرد های سوسیالیسم به هیچ وجه به معنای شکست سوسیالیسم علمی و آرمان های آن نمی باشد، کاملاً برعکس ما معتقدیم که سوسیالیسم و عدالت اجتماعی، دمکراسی و حقوق بشر، به مثابه بخش جدایی ناپذیر آن تنها آلترناتیو برای پیشرفت بشریت می باشد.

* مبارزه طبقه کارگر، زحمتکشان و مردم برای دمکراسی، پیشرفت اجتماعی - اقتصادی و محیط زیست و پیشرفت به نفع همه جامعه با دیدگاه های سوسیالیستی همچنان در جریان است. این مبارزه سخت، طولانی و محتاج پیگیری، صبر و جسارت و خوش بینی واقع بینانه است.

* وجود کشورهای سوسیالیستی و جنبش کمونیستی برای بیش از هفتاد سال، در کنار تلاش فراوان و مبارزه سخت آنها تاثیر بسزایی در جمع آوری تجربه پرارزشی برای بشریت در ادامه این مبارزه عظیم ایفا نموده است.

* شرایط نوین بین المللی ضرورت ایجاد سیستم های امنیتی منطقه ای را بیش از هر زمان دیگری عمده کرده است. منافع مردم حکم می کند که چنین سیستم هایی بر اساس حل عادلانه منافع گوناگون و در چارچوب منشور سازمان ملل متحد و قوانین بین المللی استوار گردد. برای تبدیل مناطق گوناگون به منطقه ای عاری از هرگونه سلاح های تخریب جمعی و مهمتر از همه سلاح های اتمی می بایستی با احترام کامل به قوانین بین المللی، با به رسمیت شناختن مرزهای بین المللی، استقلال کامل این کشورها و عدم تهدید و استفاده از زور عمل کرد.

* سازمان ملل متحد می بایست بیشتر دمکراتیزه شده و به مثابه تضمین کننده صلح و امنیت همگانی برای همه کشورها و مردم عمل کند. برای اینکه بتوان به آرزوهای مردم پیرامون روابط نوین بین المللی عمل کرد، می بایست منشور سازمان ملل متحد بدون هیچ گونه تمییر و تغییر در نظر گرفته شود. ما ادامه اشغال سرزمین های عربی شامل ناحیه غربی رود اردن، اورشلیم

تهدید گستاخانه!

چندی قبل تعدادی از نویسندگان، هنرمندان، شاعران و روزنامه نگاران ایرانی متنی را امضا کردند که در آن ضمن دفاع از آزادی قلم بر قتلوا مذهبی خمینی در رابطه با واجب القتل بودن سلمان رشدی اعتراض کرده بودند. خارج از برخوردهای آیه وار سردمداران ریز و درشت جمهوری اسلامی به این بیانیه، روزنامه "کیهان" ارگان قشری ترین جناح حاکم در سرمقاله خود به تهدید علنی امضاکنندگان بیانیه فوق الذکر پرداخته و بطور ضمنی قتلوا قتل آنان را صادر کرده است. موسسه مطبوعاتی "کیهان" که گویا به تنهایی به یک قدرت قضایی و اجرایی تبدیل گردیده است، اخیرا سازماندهی یورش های وحشیانه به برخی از نشریات مستقل علمی و هنری از جمله مجله گردون، فاراد، دنیای سخن و ... را ترتیب داده بود و بدون اعتنا به هرآنچه که در جمهوری اسلامی قانون نامیده می شود. خود قتلوا می دهد و خود نیز اجرا می کند.

امضاکنندگان بیانیه فوق از قلع و قمع و کشتار صاحبان قلمی که در جمهوری اسلامی مطابق اراده حاکمان نچرخیده است، اطلاع دارند. اما گردانندگان "کیهان" بهیوده تلاش می کنند که خود را به نادانی بزنند، کیهان هرآنچه را که به نام دفاع از آزادی بیان شود و با اندیشه گردانندگان این موسسه مطبوعاتی سازگار نباشد، "پلید"، "وابسته به امپریالیسم"، "لیبرالیسم"، "عامل مزدور بخت برگشته"، "کوتوله های فکری"، "خودفروخته"، "وابسته به جریان فکری غرب زده"، "نشخوارکنندگان تفاله های فرهنگی"، ... قلمداد می کند و در پایان این هرزه نگاری فرهنگی! در سرمقاله یادشده روشنفکران فوق را به آزادگی فرا می خواند! بدیهی است آنچه که در قاموس این ارگان مطبوعاتی عقب افتاده نام آزادگی دارد تکرار تهوع آور یک سری انشاء نگاری قرون وسطایی است که کوچکترین ارتباطی با آنچه که به نام آزادی قلم خوانده می شود، ندارد.

در مطبوعات مجاز

چشم انداز سرمایه گذاری خارجی در ایران

"این روند آنچنان غیر منتظره است که صدای حامیان بخش خصوصی را هم در آورده است. روزنامه رسالت دیروز طی دو یادداشت به سرمایه گذاری خارجی و خصوصی سازی اعتراض کرده است. سرمقاله نویس رسالت نوشته است که: تا دیروز به دولت گفته می شد این همه در امور اقتصادی از ریز و درشت، دخالت نکنید که خدای نخواست از جلوی بام می افتید. حالا برخی اقتدر عقب رفته اند که احتمال اتادن از پشت بام وجود دارد! نویسنده غافل است که آقایان مدتهاست از پشت بام افتاده اند."

مرگ خوب است، اما برای همسایه

"چرا وقتی که صلاحیت نهضت آزادی رد شد صدایتان در نیامد ولی وقتی که خودتان رد صلاحیت شده اید صدایتان گوش فلک را کر کرده است؟"

سلام - ۱۳ خرداد

استاندار و عدم تحمل!

- "جنتی استاندار خراسان با عواملی که این تخریب و ارباب را ایجاد کردند و اکنون دستگیر شده اند برخورد شدید قانونی خواهد شد ... وظیفه مسئولان است که به مشکلات مردم رسیدگی کنند، ولی در خواست حل مشکلات باید از طریق قانونی باشد زیرا نظام و انقلاب چنین اعمالی را هرگز تحمل نخواهد کرد."

کیهان - ۱۷ خرداد

مجوز قانونی!

- "جنتی استاندار خراسان گفت: دادگاه انقلاب اسلامی مشهد مجوزهای قانونی لازم برای رسیدگی قاطع و سریع به این حادثه را دریافت کرده و بلافاصله تحقیق و بازجویی از بازداشت شدگان که حدود ۳۰۰ نفرند، آغاز شده است."

کیهان هوایی - ۲۰ خرداد

شرقی، نوار غزه، جنوب لبنان و بلندی های جولان در سوریه و بطور کلی سیاست سلطه جویانه و استعماری گروه حاکم در اسرائیل را محکوم می کنیم. ما همچنین سیاست ضد انسانی سرکوب اهالی سرزمین های اشغالی فلسطین، حملات اسرائیل به جنوب لبنان را محکوم می کنیم. ما از تلاش هایی که برای پیاده کردن قطعنامه های سازمان ملل متحد خصوصا قطعنامه های شماره های ۲۴۲ و ۳۳۸ برای ایجاد یک صلح همه جانبه و عادلانه برای پایان دادن به مشکلات در خاورمیانه حمایت می کنیم.

* ما همبستگی خود را با مبارزه مردم فلسطین و قیام قهرمانانه آنان در سرزمین های اشغالی به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام می داریم.

* ما ادامه اشغال قبرس توسط نیروهای ترکیه و سیاست مستقر کردن اتباع این کشور و تبدیل بخش اشغالی به یک مستعمره را محکوم می کنیم. ما همبستگی خود را با مبارزه مردم قبرس برای دستیابی به یک راه حل عادلانه براساس مصوبات سازمان ملل متحد اعلام می داریم.

* ما حضور نیروهای "واکنش سریع" آمریکا و پایگاههای این کشور در برخی از کشورهای عربی و سایر کشورهای منطقه خاورمیانه را محکوم می کنیم.

* ما نگرانی خود را از قحطی تحمیل شده به مردم عراق زیر پوشش تنبیه صدام حسین اعلام کرده و خواهان ارسال فوری مواد غذایی و دارویی زیر نظر سازمان ملل متحد برای مردم عراق هستیم. ما همچنین خواهان پایان دادن به محاصره غذایی و مواد سوختی کردستان توسط دولت عراق هستیم.

* ما عملیات نظامی دولت ترکیه علیه کردهای آن کشور را محکوم کرده و خواهان پایان دادن فوری آن هستیم.

* ما نگرانی خود را از ادامه خونریزی در افغانستان علیرغم اعلام عفوعمومی توسط دولت جدید اعلام می داریم. ما از سازمان ملل متحد می خواهیم تا خواهان اجرای دقیق منشور جهانی حقوق بشر برای همه اهالی افغانستان بدون در نظر گرفتن مذهب و قومیت آنان گردد.

* ما همچنین خواهان تبدیل منطقه خاورمیانه و دریای سرخ به مناطق عاری از سلاح های هسته ای و خروج کامل نیروهای نظامی خارجی و خصوصا ناوگان ششم آمریکا و ناوهای هسته ای آن از این منطقه هستیم. ما خواهان تبدیل منطقه به منطقه صلح، امنیت و همکاری میان مردم و دولت ها هستیم.

* کشورهای غربی و خصوصا آمریکا که خود را مدافع حقوق بشر و دمکراسی معرفی می کنند، از اسرائیل که آشکارا حقوق مردم فلسطین را سرکوب می کند، حمایت کرده و در منطقه خلیج فارس در حالی که به نام دمکراسی و آزادی یک جنک تمام عیار را آغاز کردند همچنان به حمایت از رژیم های ضد دمکراتیکی که حقوق بشر را زیر پا می گذارند، ادامه می دهند.

* ما همبستگی خود را با مبارزه مردم عراق برای پایان دادن به حکومت استبدادی و استقرار دمکراسی و حقوق بشر اعلام می داریم.

* ما همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران برای پایان دادن به رژیم "ولایت فقیه" و استقرار دمکراسی در ایران اعلام می داریم.

* ما همبستگی خود را با مبارزات خلق کرد علیه سرکوب ملی و دستیابی به حقوق ملی شان در چارچوب مبارزات دمکراتیک مردم کشورهای ذینفع اعلام می داریم.

* ما همبستگی خود را با مبارزات مردم کشورهای عربی خلیج فارس، خصوصا در کویت، بحرین، عمان و عربستان سعودی و نیروهای دمکراتیک این کشورها برای استقرار دمکراسی پارلمنتاری اعلام می داریم.

* ما همبستگی خود را با مبارزات مردم کوبا علیه مداخلات آمریکا، برای پایان دادن به محاصره اقتصادی و حق تعیین سرنوشت و راه آینده شان اعلام می داریم.

* ما همبستگی خود را با مبارزات مردم آفریقای جنوبی زیر رهبری کنگره ملی آفریقا برای نابودی قلمی رژیم نژادپرست و برقراری کامل حقوق مدنی برابر اعلام می داریم.

* ما همبستگی خود را با نیروهایی که در کشورهای سوسیالیستی سابق در برابر بازگشت سرمایه داری مقاومت کرده و در راه دفاع از آزادی های دمکراتیک، حقوق بشر و دستاوردهای سوسیالیسم مبارزه می کنند، اعلام می داریم.

با اعتقاد به اینکه تحولات کنونی و برای مقابله با خطرات موجود که پس از تغییرات در سطح بین المللی پدید آمده است، احتیاج به شرکت وسیع ترین نیروها می باشد، ما آمادگی خود را برای همکاری و مبارزه مشترک با تمامی نیروهای صلح دوست، آزادیخواه و مدافع محیط زیست در منطقه براساس اهداف مورد قبول طرفین در کوتاه مدت و در درازمدت اعلام می داریم.

قانون اساسی ...

درصد مشارکت خارجی و جبران غرامت ناشی از سلب مالکیت و ملی شدن سرمایه ها آزادی انتقال نامحدود اصل و فرع سرمایه به خارج و بنا قرار دادن نرخ شناور برای ورود و خروج سرمایه.

(کیهان هوایی ۷۱/۳/۱۳)
با توجه به مغایرت این اظهارات و مجوز "شورای عالی سرمایه گذاری" با اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی، "کیهان هوایی" که این خبر را منتشر کرده است، نوشت: "انتظار ما این است که دست کم شورای نگهبان بعنوان تفسیر کننده قانون اساسی توضیحی درباره انطباق یا عدم انطباق این مصوبات، اظهارات و دعوتنامه ها با اصل ۸۱ قانون اساسی برای رفع برخی شبهات ارائه دهد". (همانجا)

چنان که می دانیم بسیاری از کشورهای رشد یافته برای اجرای برنامه های توسعه اقتصادی و صنعتی خود با محدودیت سرمایه مواجه اند و چه بسا برخی از آنان ورود سرمایه خارجی را به کشور خود، برای کمک به رشد و ثبات اقتصادی کشور، سودمند و موثر می دانند. در واقع ورود سرمایه خارجی به میزان محدود به برخی از کشورهای در حال توسعه با شرایط معین و با محدودیت هایی که خطر این سرمایه گذاری ها را به حداقل کاهش دهد ممکن است کم و بیش سودمند باشد. ولی تردیدی نیست که ورود بی بند و بار و نامحدود سرمایه خارجی آن گونه که در بخشنامه وزارت امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی آمده است، به ویژه بدون "محدود کردن درصد مشارکت" این سرمایه ها خطری است مهلک که اقتصاد و دارایی و مالا آینده جامعه را به تپاهی تهدید می کند. در شرایطی که متولیان "ولایت مطلقه قبیله" مبارزه مشقایی، همه جانبه، موثر و پیکر علیه امپریالیسم را با بیگانه ستیزی سنتی کهن خود عوضی گرفته آن را به بیراهه می کشانند و بر این پایه، دون کیشوت وار به مقابله لفظی تند و آتشین با "استکبار جهانی" - که آن نیز محدود به سردمداران برخی کشورهای امپریالیستی است - می پردازند و بر شالوده این برداشت کج و کوله از امپریالیسم به فریب توده ها ادامه می دهند، کارگزاران "ولایت" نیز امکان می یابند در اوج مبارزه لفظی با "استکبار جهانی" راه ورود نامحدود و بی قید و شرط سرمایه خارجی یعنی ابزار عمده نواستعمار را باز و هموار سازند.

اگر در گذشته نواستعماری، صدور سرمایه از کشورهای صاحب مستعمره به مستعمرات و نیمه مستعمرات خط مشخصه عمده امپریالیسم زمان خود بود، امروزه نیز پراتیک جاری توسعه اقتصادی امپریالیستی در کشورهای از بند رسته آشکارا نشان می دهد که صدور سرمایه هر چند در اشکال دگرگون یافته، همچنان به صورت ابزار عمده نواستعمار به کار گرفته می شود.

در واقع سیاست صدور سرمایه از کشورهای امپریالیستی به کشورهای رشد یافته صرفا از تمایلات سودجویانه سرمایه دار یا حتی از سیاست خاص کشورهای صادر کننده ناشی نمی شود، بل پدیده ای است امپریالیستی که سرشتی جهانی دارد. این خط مشی سیاسی جزئی از استراتژی نواستعماری جهانی است که هدف آن قبل از هر چیز تقویت و توسعه نظم اقتصادی بین المللی موجود یعنی نظم امپریالیستی، یا دست کم ثابت نگاهداشتن آن است. بدین سان صدور سرمایه از کشورهای رشد یافته و صنعتی به کشورهای رشد یافته، ولو با محدودیت "درصد مشارکت آنان" بیش از آن که برای کشور پذیرنده سرمایه خارجی سودمند باشد، برای سرمایه گذار خارجی و بطور عمده

برای آن سیستم اقتصادی امپریالیستی که او در آن قرار گرفته است سودمند، و حتی اجتناب ناپذیر است، چه رسد به نامحدود بودن و غیر مشروط بودن سرمایه!

امپریالیسم دهها سال است که صدور سرمایه به کشورهای در حال رشد را از طریق شرکتهای چند ملیتی (که در بیشتر آنها شرکتهای آمریکایی سهامدار عمده هستند) انجام می دهد. این شرکتهای معمولاً با جلب حمایت مقامات محلی و با سودجویی از مکانیسم سرمایه، مواضع کلیدی را در اقتصاد کشور سرمایه پذیر در حال رشد به دست می آورند و از این طریق می توانند هم در دایره تولید و هم در توزیع سیاست قیمت گذاری انحصاری را که یک منبع عمده سود اضافی است به کشور پذیرنده سرمایه خارجی تحمیل کنند.

شرکتهای چند ملیتی (فراملیتی) با متمرکز کردن دستاوردهای انقلاب علمی و تکنولوژیکی در دست خود، توان آن را دارند سیاستی را اجرا کنند که کشور میزبان را در وابستگی هرچه بیشتر به امپریالیسم، و لاجرم در حالت عقب ماندگی اجتماعی - اقتصادی نگاه دارند. در شرایط انقلاب علمی و تکنولوژیکی و در چارچوب نظم کنونی اقتصادی جهانی، سیاست استفاده انحصاری از دستاوردهای دانش و تکنولوژی جایگزین اشکال سنتی وابستگی اقتصادی، نظامی و سیاسی امپریالیستی می شود.

امپریالیسم از طریق شرکتهای چند ملیتی وابسته به خود نوعی تجدید سمیکری در تقسیم بین المللی کار را به کشورهای رشد یافته تحمیل می کند؛ بدین معنی که به جای تقسیم استعماری کار، تقسیم نواستعماری کار را معمول می دارد. بعبارت دیگر، کشورهای رشد یافته را بسود اقتصاد مسلط خود، از زایده مواد خام کشاورزی جهان سرمایه داری رشد یافته به زایده صنعتی این جهان مبدل می سازد. نیروهای امپریالیستی و شرکتهای چند ملیتی وابسته به آنها امروز دیگر، مانند گذشته، با صنعتی شدن

زنان، قربانیان ...

خود می باشد، ادامه دارد، بلکه در تمام موارد اجتماعی - اقتصادی و سیاسی، خانوادگی، فرهنگی و هنری این ستم کماکان به ستیز بی رحمانه خود با زنان ادامه می دهد و آنان را از دستیابی به حقوق انسانی خویش یازمی دارد.

سران جمهوری اسلامی که زنان را کالا و انسانی درجه دو بیشتر نمی شناسند و تنی چند از آنان را بالاجبار در این یا آن مسعولیت اداری و سیاسی به نمایش گذاشته اند از مجریان اصلی سیاست زن ستیزی در رژیم فقها می باشند. رفسنجانی رئیس جمهور که غرب با تبلیغات هدفمند خود آن را "میان رو" ساخته است از سویی به دروغ پردازی های خود در زمینه حقوق زن در اسلام ادامه می دهد و از سویی دیگر دولت وی لایحه مجازات بدحجابان را بلافاصله بعد از نمایش انتخاباتی اخیر به مجلس یک دست چهارم می برد که تصویب گردد. رئیس قوه

کشورهای رشد یافته مقابله نمی کنند، بلکه نوعی صنعتی شدن این کشورها را به سود سلطه اقتصادی - صنعتی خود می دانند. در اجرای این سیاست است که آنها می کوشند آن رشته از صنایع سنتی دست و پا گیر و مزاحم و پرهزینه و کاربر و آلوده کننده محیط زیست را به این کشورها و در نزدیکی بازارهای مصرف وسیع و بی در و پیکر آنها انتقال دهند و متقابلاً نیروی متخصص انسانی و دستاوردهای فنی و تکنولوژیکی گسترش یافته خود را در جهت تجدید اساسی صنعتی کشور خود و مدرن ساختن صنایع و تجهیزات آن - که بیش از پیش کشورهای "جهان سوم" را در زنجیر وابستگی و نیاز مقید می سازد - به کار اندازند.

طبیعی است که انواع امتیازهای پرهزینه سودآور دیگر مانند استفاده از معافیت های مالیاتی حق وارد کردن تجهیزات و تاسیسات با بهره برداری از معافیت های گمرکی، استفاده ترجیحی از تاسیسات زیر بنایی و مواد خام و غیره در کشور میزبان، جاذبه های نیرومندی هستند که شرکتهای چند ملیتی سرمایه گذار و دولت های امپریالیستی حامی آنان را به گونه ای مقاومت ناپذیر به سوی این کشورها می کشانند.

تردیدی نیست که سرمایه گذاران خارجی بدون حمایت "سخاوتمدانه" مقامات ایرانی به چنین امتیازهایی دست نخواهند یافت. حال این پرسش به میان می آید که آیا سیاست گزاران اقتصادی - سیاسی ایران در موقعیتی هستند که با اتخاذ یک خط مشی اقتصادی - سیاسی روشن، استوار و با قاطعیت، اقتصاد و منابع ثروت و آینده کشور ایران را در برابر چنین خطرهای ایران کننده ای حفظ کنند؟ یا تاسف به نظر می رسد که کارگزاران "ولایت" که با اعلام "تبعیت بی چون و چرا از دولت مطلقه قبیله" کرسی های دولتی و غیر دولتی و آینده سیاسی خود را "بیمه کرده اند" در موقعیتی نباشند که به چنین مسایلی چنان که باید بپردازند!

قضائیه تصویب چنین قانونی را جلوگیری از سهل انگاری هایی می داند که تاکنون در مورد پوشش زنان و روابط زن و مرد در جمهوری اسلامی انجام گردیده است که ادامه آن را تحمل ناپذیر می داند و بدون شك با تصویب لایحه یادشده فشارهای غیرانسانی گردانندگان رژیم به حقوق زنان دوچندان خواهد شد.

اجرای قوانین قرون وسطایی در جمهوری

ادامه در ص ۷



نورنبرگ یا ...

- آیا این محتوای جهان بینی کمونیستی است؟
- این ماهیت فلسفه مارکسیستی تاریخ است، یا اگر دقیقتر گفته باشیم تبیین طبیعی تاریخی مبانی کمونیسم است. هر چند تا آن فاصله قابل توجهی وجود دارد ولی تمام جهان در این جهت حرکت می کند. اروپای غربی، ایالات متحده آمریکا، ژاپن، خیلی بیشتر از ما، که از اوت ۱۹۹۱ حرکت سریع خود را به جهت عکس آغاز کرده ایم، به سوسیالیسم نزدیک می شوند.

- نه، کمونیسم بمثابه جهان بینی، قبل از هر چیز با فعالیتهای فنی و تکنولوژیک ما در ارتباط نیست، بلکه با ساختار دولتی با حقوق بشر و بقیه مسائل در ارتباط است. این همان کمونیسمی است که ما در آن رشد کردیم.

- شما به این ترتیب کمونیسم نوع استالینی را در نظر دارید که جامعه ای بوروکراتیک بود، و نه خودگردان. ولی من درباره درک مارکسیستی آن سخن می گویم. یعنی وقتی که کمونیسم بمثابه نتیجه تکامل هر چه بیشتر نیروهای مولده، عمومی شدن واقعی امر تولید، رفع از خود بیگانگی اجتماعی عمل می کند.

- کاملاً روشن است که اتویی کمونیستی سعادتمند کردن مردم از طریق زور چه برای صاحبان این نظر، چه برای کسانی که مورد این تجربه قرار گرفته اند ناهبود کننده بود ...

- فکر می کنم که شما تحریف کمونیسم را بجای ماهیت واقعی آن پذیرفته اید. اتویی استالینی را بجای علم گرفته اید.

بحث ما به اینجا که رسید، متأسفانه در نتیجه مداخله محافظان وزیر مشاور در ساختمان دادگاه قانون اساسی، قطع شد. در عین حال من مطمئنم که این بحث در آینده ادامه خواهد یافت، منتفی نیست که کوششهای تبلیغاتی برای معرفی کمونیسم بمثابه یک اتویی و زور بارها در جریان دادگاه به میدان کشیده شود، همین امروز دیده می شود که رسانه های گروهی رسمی سعی می کنند نظرات کمونیستی را نظرات اشخاصی معرفی کنند که همیشه دیروزی هستند ... طرفداران نظر ضد قانونی بودن حزب کمونیست اتحاد شوروی همه گونه تلاش خواهند کرد ثابت کنند کمونیسم و استالینیسم واقعیت واحدی است، بین کمونیسم و فاشیسم تفاوتی نیست و واقعیت نابودی میلیونها عضو حزب را در مبارزه علیه فاشیسم بدست فراموشی سپارند ... بالاخره کاملاً مشهود است که تلاش خواهد شد دادگاه قانون اساسی به دادگاه نوع نورنبرگ تبدیل شود. باید بخاطر داشت که در نورنبرگ ایدئولوژی را محاکمه نکردند، بلکه جنایتکاران عمده را به محاکمه کشیدند.

مقدم که کمونیستهای واقعی برخلاف رهبران سابق حزب کمونیست اتحاد شوروی در خود آن نیرو را می بینند که جلوی خفه کردن دمکراسی را در گهواره اش به گیرند و مانع آن شوند کسانی زیر عنوان خطر کمونیسم رژیم استبدادی جدیدی بر کشور ما حاکم سازند.

فکر می کنم که کمونیستها علیرغم مسخرگی های مطبوعات "دمکراتیک" نمایندگانی معرفی خواهند کرد که مانند گئورگی دیمیتروف به آنهایی که سیاست خود را بر پایه متغفن آنتی کمونیسم استوار می کنند پاسخ قاطع "نه" بدهند.

ایران:

موج دستگیری در مشهد

انقلاب اسلامی تحویل داده شوند. سازمان عفوبین الملل نگران آن است که دستگیرشدگان براساس موازین حقوق بین المللی محاکمه نشوند و با آنها بدرقتاری شود و مورد شکنجه قرار گیرند و حتی برخی از آنها به مرگ محکوم شوند.

انگیزه های این ناآرامی ها:

ناآرامی ها و دستگیری های به دنبال آن در مشهد، حلقه ای از زنجیره اعتراضاتی هستند که در اواسط ماه آوریل در شیراز آغاز گردید. اواخر ماه مه همین امسال، به دنبال تظاهرات قهرآمیز اراک ۲۰۰ نفر دستگیر شدند.

سازمان عفوبین الملل اخیراً اخبار دیگری از بازداشت های جدید و خبر تایید نشده در مورد اعدام چند نفر را نیز دریافت کرده است که به محض تایید شدن منتشر خواهد نمود.

سازمان عفوبین الملل همانند گذشته محاکمات ناعادلانه و شکنجه را در جمهوری اسلامی ایران شدیداً محکوم می کند.

سازمان عفوبین الملل معتقد است که محاکمات، به ویژه در دادگاه های انقلاب اسلامی در تضاد انکارناپذیری با موازین عادلانه و حقوق بین المللی قرار دارند. بازجویی ها غالباً در زندان و به دور از افکار عمومی انجام می گیرند. متهمین در محاکمات برق آسا، که گاهی فقط چند دقیقه به طول می انجامد، محاکمه شده و حق استفاده از وکیل مدافع ویا کمک های حقوقی به منظور دفاع از خویش را ندارند. تاکنون هیچ گونه تدابیر موثری که حقوق زندانیان را مشخص کرده و از آن حمایت کند، به کار گرفته نشده است، بطوری که دستگیرشدگان بدون برخورداری از حمایت حقوقی مورد شکنجه و آزار واقع می شوند.

بنابر خبرهای رسیده به دفتر سازمان عفوبین الملل، تظاهرات و ناآرامی در شهر مشهد (شمال ایران) به تاریخ ۳۰ ماه مه ۱۹۹۲، دستگیری های وسیع مردم در این شهر را به دنبال داشته است. این تظاهرات تنها آخرین نمونه از موج اعتراضات است که دلیل آن تخلیه و تخریب خانه های مسکونی بدون مجوز توسط مامورین دولتی می باشد. دلیل دیگر این اعتراضات ناراضیای مردم از سیاست اقتصادی - اجتماعی رژیم است.

هنوز برای ما روشن نیست که دستگیرشدگان به دادگاه تسلیم شده اند (یا نه)، ولی براساس شواهد موجود، بخشی از دستگیرشدگان به دلیل فعالیت سیاسی و دیگر فعالیت های غیرقانونی که حکم آن اعدام است، محکوم شده اند.

بنابرسختن آیت الله محمدیزدی، رئیس دیوان عالی کشور در مقابل خبرگزاری "رویتر" در تاریخ اول ژوئن ۹۲: "اخلال گران به سرعت و قاطعانه محاکمه خواهند شد" و تعدادی از قضات با تجربه در این ارتباط دستورالعمل های ویژه ای دریافت کرده اند تا "مصمم و بدون گذشت" علیه آنها وارد عمل شوند.

براساس همین گزارشات، علی جنتی، استاندار خراسان اظهار داشت: "بازجویی از بیش از سیصد نفرشان نشان داده است که خارجیان و عاملین گستاخ (آنها) در این اعتراضات مشارکت داشته اند. از طرف دیگر روزنامه "کیهان" ضدانقلاب را مسئول این ناآرامی ها دانسته است که از مشکلات موجود در شهر سوءاستفاده کرده اند. بنابر دیگر گزارشات، دستگیرشدگان ناآرامی های مشهد از طرف نمایندگان دولتی به عنوان "شورش گر" و "مفسد" نامیده شده اند که باید به دادگاه های

زنان، قربانیان ...

اسلامی زنان را از تمام حقوق انسانی خویش محروم ساخته است. نکاهی کوتاه به آگهی های استخدام، پذیرش دانشجو، شرایط تصدی مقامات و مسئولیت های دولتی، قضایی و سیاسی نشان دهنده عدم امکان بهره مندی زنان از چنین امکانات طبیعی، انسانی و اجتماعی می باشد. جمهوری اسلامی جز در موارد اعدام و شکنجه و ریختن رای برای خلفای اسلامی هیچ گونه حقوق برابر بین زنان و مردان را به رسمیت نمی شناسد و آنچه که مسلم است به ستیز خود با آنان ادامه می دهد، ولی مبارزات زنان در برابر تضعیقات حقوقی و انسانی با تمام طول تاریخ

میهنمان آمیخته است و این مبارزه هم اکنون نیز با توجه به شرایط ویژه حاکم بر کشور از سوی زنان ادامه دارد. مبارزات صنفی، سرپیچی از قوانین قرون وسطایی، حمایت مردم از زنان در مقابل چماقداران رژیم و تداوم کار زنان در تمام زمینه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، حتی به صورت جایگزین ساختن زنان در نقش مردان در تاترهای هنری، نشان دهنده مقاومت در برابر یکه تازی های قرون وسطایی رژیم "ولایت فقیه" می باشد و بدون شك در پایان دادن به "ولایت فقیه" در ایران که هم اکنون ترك های پایه های آن روز به روز عمیق تر می شود، زنان نقش برجسته خود را به نمایش خواهند گذاشت.

اخیراً روزنامه "پراودا" چاپ مسکو مصاحبه ای با بوربرویس وزیر مشاور کابینه روسیه در باره دادگاه قانون اساسی که باید نظر خود را نسبت به فرمان پلتسین در مورد ممنوعیت فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست روسیه فدراتیو مشخص کند، منتشر ساخته است. بقرار اطلاع رسانه های گروهی روسیه قرار است که دادگاه مزبور ۷ ژوئیه تشکیل گردد. نامه مردم متن این مصاحبه را برای آشنایی بیشتر خوانندگان خود با موضوع مورد بررسی دادگاه منتشر می سازد.

نورنبرگ یا لایپزیگ

خانم گالینا استارو ویتوا بن چنین گفت: "رژمی که حقوق بشر را مراعات نکند و حزبی که این رژیم را رهبری کند بایست محکوم شوند". این سخنان موقعی گفته شد که در نتیجه سیاست "دمکراتها" و نه کمونیستها مردم زیر مرز قمر قرار گرفته اند، اتحاد شوروی متلاشی شده است، بدنبال اختلافات بین ملتها خون هزاران نفر افراد بیگناه ریخته می شود، هنگامی که اقتصاد، امور اجتماعی، علم و فرهنگ، به مرز نابودی رسیده اند. دادگاه قانون اساسی که می بایست مساله فرمان های رئیس جمهور در رابطه با موضوع قانونیت حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست جمهوری فدراتیو روسیه شوروی را مورد بررسی قرار دهد، با پیشنهاد "رومیانتسو" سوسیال دمکرات با مساله جدیدی روبرو شده است. آنهم اینکه "رومیانتسو" پیشنهاد می کند موضوع "ضدیت حزب کمونیست اتحاد شوروی با قانون اساسی و همزمان با آن، تأیید فرمانهای رئیس جمهور و انطباق آن با قانون اساسی" در این دادگاه مورد بررسی قرار گیرد. چنانچه نظر محافل نزدیک به رئیس جمهور را باور کنیم این دادگاه علیه حزب "جنایتکار" و ایدئولوژی کمونیستی آن سمت گیری خواهد کرد.

- ماهیت جهان بینی شما چیست؟
- نتیجه قانونمند پیشرفت علمی و فنی، نتیجه خودکار شدن کامل تولید، نابودی کار سنگین جسمی و پیدایش مقدمات مادی برای تکامل آزاد شخصیت افراد در اجتماع، موضوع این ماهیت است. ادامه در ص ۷

خود را طرفدار معتقد نظام و رژیم شوروی و کمونیستی می شمارند چه به لحاظ معمولی و چه از جهات حقوقی و جهان بینی، نظر روشنی ایجاد کند. این کاری است متقابلاً مفید، علاوه بر آن ممکن است حکم دادگاه قانون اساسی بجا امکان دهد در رفرمهای عملی همراه با هم بسیج شویم، که این امریست مهم.

معنای این عمل "رومیانتسو" و دیگر نمایندگان که می خواهند علیرغم ابتدایی ترین موازین دمکراسی حزب کمونیست اتحاد شوروی را محکوم کنند، چیست؟

فکر می کنم مقصد بخوبی روشن است و آنهم اینکه گذشته را محکوم می کنند تا حال را بهبودانند، توجه خلق را از ورشکستگی سیاست جدید زمامداران منحرف سازند، عدم رضایت توده های مردم را از وضع اقتصادی دشوارشان، از دوش مقصرین اصلی فروپاشی کشور بدوش کمونیستها بگذارند. زمامداران می خواهند محاکمه کمونیستها را به چیزی مشابه دادگاه نورنبرگ تبدیل کنند. ولی مطمئنم که این دادگاه بیش از هر چیز به دادگاه لایپزیگ شباهت خواهد داشت. این بار می خواهند کمونیستها را مانند گذشته که به آتش زدن رایشتاگ متهم کرده بودند، به آتش کشیدن کشور بزرگی و از هم پاشی آن متهم کنند ولی اینک "دمکراتهای" روسیه که آرمانهای پلورالیسم سیاسی و کشور حقوقی را موعظه می کنند نقش متهم کنندگان را بعهده خواهند داشت، نه فاشیستهایی که دمکراسی را در آلمان پایمال کردند.

آنها کیستند؟ میزان وفاداری و صداقتشان نسبت به آرمانهایشان تا چه حد است؟ آنها چه تصویری از کمونیسم دارند؟ صحبت من با گ. بوربولیس در یکی از کریدورهای دادگاه قانون اساسی می تواند تا حدی باین سئوالات پاسخ بدهد.

- کنادی ادواردویچ (بوربولیس) شما در مورد فعالیت دادگاه قانون اساسی چه پیش بینی می کنید؟

- کار می کنیم، ببینیم تاریخ با ما چه خواهد کرد.

- اهمیت این دادگاه را در چه می بینید؟
- این دادگاه اهمیت بزرگی دارد. زیرا باید برای کسانی که خود را رفرماتورهای نظام اجتماعی و ساختار سیاسی روسیه می دانند و نیز کسانی که

- موقعیت اخیر شما را می توان درک کرد ولی برای من داشتن تلقی ایدئولوژیک و سیاسی شما مهم است. آیا شما همچنان این تنوری را قبول دارید که بموجب آن حزب کمونیست اتحاد شوروی بنبابه درخت مسمومی معرفی می شود که فضای اطراف خود را مسموم می کند؟

- این تنوری نیست بلکه فقط تصویری است و دلایل زیادی را هم از زندگی با خود دارد. دادگاه است که می تواند راه معالجه اجتماعی - روحی و اخلاقی و سیاسی این بیماری را نشان دهد.

- شما طرفدار یا مخالف نظر تزکیه اعضای سابق حزب هستید؟

- من طرفدار حل حقوقی و قانونی وضعیت خودمان هستم که متأسفانه دهها سال فاقد هر نوع میانی حقوقی و قانونی بوده است. شما کمونیست بوده اید. امروز نسبت به جهان بینی کمونیستی چه نظری دارید؟ چه کسانی امروز آن را تقسیمی می کنند؟ یا چه کسانی طرفداران آن هستند؟

- توده های وسیع مردم از جمله کسانی که امروز به خیابانها می آیند و علیه عواقب فاجعه آمیز رفرم اعتراض می کنند، از هواداران این جهان بینی هستند.

- شما خودتان را کمونیست می دانید؟
- نه تنها خود را کمونیست می دانم، بلکه به ناگزیر بودن تاریخی ایجاد جامعه کمونیستی که فراخواهد رسید اعتقاد دارم.

پیام همبستگی احزاب برادر به سومین کنگره حزب توده ایران

پیام همبستگی حزب کمونیست اردن

رفقای گرامی!

به مناسبت برگزاری سومین کنگره حزبتان که تاریخی طولانی از مبارزه قهرمانانه و فداکارانه دارد، درودهای ما را بپذیرید.

ما از شرایط دشوار شما که در نبود آزادی، دمکراسی و در فضای فاناتیسم مذهبی در کشورتان مبارزه می کنید، آگاه هستیم. ما تضعیقات مختلفی که علیه شما و سایر نیروهای مدافع آزادی و حقوق بشر اعمال می گردد را محکوم می کنیم.

ما همبستگی خود را با مبارزه عادلانه شما برای دمکراسی، عدالت اجتماعی و پایان دادن به بنیادگرایی اعلام می داریم.

ما از تلاش شما برای ایجاد یک ائتلاف وسیع ملی برای مبارزه و دستیابی به این اهداف حمایت می کنیم.

با درودهای رفیقانه

دکترزیادین

دبیرکل حزب کمونیست اردن

NAMEH MARDOM
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 379
July 7, 1992

نامه
مردم

ADDRESSE: 1- Postfach 100644 1000 Berlin 10

بها: ۲۰ ریال